



“دختران خیابان انقلاب” جنبشی از پایین برای لغو اختیاری حجاب به قدرت خود!

ثریا شهابی

حکمتیست
۱۹۷

۵ فبریه ۲۰۱۸ - ۱۵ بهمن ۱۳۹۶
دوشنبه ها منتشر میشود

گزارشی از یک پیکت اعتراضی در لندن

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست - خط
رسمی (واحد لندن) صفحه ۴

ضرورت حمایت از کارگران

هفت تپه حزب حکمتیست - خط رسمی

اعتصاب و اعتراض کارگران هفت تپه روز یکشنبه ۱۵ بهمن ماه (۴ فوریه) در پنجمین روز خود با یورش اوباشان گارد ضد شورش و محاصره و قرق کردن هفت تپه و حمله به کارگران و دستگیری آنها روبرو شد. سندیکای کارگران هفت تپه در مورد اعتصاب کارگران این مرکز و مطالبات آن نوشته است: "این کارگران مطالبات ۸ ماه پول بن و دستمزد برج ۹ و دو پاداش بهره برداری را تاکنون دریافت نکرده اند. همچنین تاکنون دستمزد مهر ماه به کارگران رسمی پرداخت نشده است".

طبق اخبار سندیکای هفت تپه در جریان یورش گارد ضد شورش ۳۴ نفر از کارگران، از جمله، کرامت پام، اسماعیل بخشی، قربان علیپور، ثامر سواری، دانیال کعبی، سید هادی احمدی، فاضلی و مهدی، دستگیر شدند. دستگیری این ۳۴ نفر نه فقط باعث عقب نشینی کارگران نشد که مایه خشم بیشتر آنان شد. کارگران معترض با ادامه اعتصاب خود اینبار علاوه بر مطالبات قبلی خود و محکوم کردن حمله به کارگران اعتصابی، خواهان آزادی فوری بازداشت شدگان شدند. ... صفحه ۲

ارگانها، پوست و گوشت و استخوان و هر تک سلول آن! برخلاف تفاسیر تقلیل گرایانه رسانه های بستر اصلی در خارج از ایران، که با انتشار هر خبری در مورد این حرکت، هزار بار بر "مسالمت آمیز" بودن آن (که چیزی جز حواله دادن مطالبات مردم به اصلاح تدریجی و امید به قدرتی از درون حاکمیت نیست) تاکید میکنند، حرکتی آرام برای تغییر یک قانون و به امید بخش "خوش خیم" حاکمیت و قدرتی از درون آن نیست! "دختران خیابان انقلاب" در این حرکت وجه دیگر و پرقدرتی از جنبشی از اعماق جامعه که پرچم "اصلاح طلب اصول گرا" دیگر تمام است ماجرا را در سراسر ایران برافراشت و به مصاف همه جناح ها و نهادها و بنیادهای جمهوری اسلامی آمده است، را نمایش میدهند. از همه مهمتر در این میان دست پاچگی ها، وقت خریدن ها، زیرآبی رفتن ها، ترهات و خزعبلات مقامات و شخصت های اصلاح طلب و اصول گرا تماشایی است. آنهايي که حمایت ضمنی رسانه های راست در خارج از کشور را هم همراه خود دارند! رسانه هایی که تلاش میکنند با "مسالمت آمیز"، "مدنی" و "سفید" خواندن تحرک "دختران خیابان انقلاب"، جامعه هشتاد میلیونی تشنه آزادی و برابری در ایران را به "کرامات" و عقب نشینی های تدریجی این طیف بی آینده در حکومت، امیدوار و در انتظار نگاه دارند. از نوع تلاش های اصلاح طلبانه آنها که قرار بود حجاب ابتدا از چادر و مقنعه به روسری و بعد کم کم سیاه به خاکستری و به تدریج سفید و به همت زنان پهلوانی چون خانم ها جلودار زاده و ابتکار و رهنورد و در حمایت سرداران سلحشوری چون خاتمی و موسوی و کروبی، که قادر نیستند خودشان را از حصر خارج کنند، عقب نشینی کند و نهایتاً "اختیاری" شود! یعنی سرانجام طی چند دهه دیگر و امتحان انواع پروژه های "اصلاحات" و لگد مال شدن زندگی چند نسل دیگر از کودکان و نوجوانان، با فشار پایین و "مجاهدت" بالا، حجاب سرانجام به پارچه ای با رنگ نامرئی یا "ترانسپارانت" تبدیل شود! و نهایتاً با این "خر مرد رند بازی" پرونده بی حقوقی زنان در ایران .. صفحه ۳

"دختر خیابان انقلاب" حرکتی که با ابتکار و لغو اختیاری حجاب توسط زن جوانی در خیابان انقلاب تهران آغاز شد و توسط تعداد زیادی در شهرهای مختلف ایران تکرار و تکثیر شد، نماد جنبشی به مراتب وسیع تر، بنیادین تر و میلیونی تر از آن چیزی است که این حرکت ظاهراً "فردی" از خود نشان میدهد. این حرکت خودجوش، که چند روز پیش از عروج جنبش گرسنگان شروع شد، گوشه دیگری از نوک کوه یخ اتفاق عظیم تری از "لغو قانون حجاب" است که در عمق جامعه و در ابعاد میلیونی در حال ذوب و در انتظار فوران و خروش است. جنبشی که برباد رفتن تمام و کمال حجاب، نه انتهای آن که تازه شروع جنبش قطع کامل دست مذهب و اسلام از زندگی زنان و از حیات جامعه، لغو تمام و کمال آپارتاید جنسی در ایران، و آزادی و برابری است. پیشروی این جنبش، تنها گامی در خلاصی تمام و کمال از بختکی بنام جمهوری اسلامی ایران است، بختکی که بیش از چهاردهه زندگی سه نسل از مردم در ایران را به تباهی کشیده است، با همه اندام ها،

آزادی
برابری
حکومت کارگری

ضرورت حمایت از ...

دستگیر شدگان جهت بازجویی و پرونده سازی ابتدا به پاسگاه هفت تپه منتقل و بعد تحویل پلیس امنیت داده میشوند. مسئولین جمهوری اسلامی با دیدن ادامه اعتصاب کارگران و هراس از گسترش بیشتر آن ناچار به آزاد کردن همه دستگیر شدگان می شوند.

اعتراض و مبارزه کارگران هفت تپه و حمله اوباشان جمهوری اسلامی امر جدیدی نیست. کارگران هفت تپه تا کنون دهها اعتصاب و اعتراض بزرگ و کوچک را برای کسب ابتدایی ترین مطالبات خود پیش برده اند. این کارگران تا کنون شاهد صدها توطئه از جانب کارفرما و نمایندگان و مقامات اداری و امنیتی جمهوری اسلامی، علیه خود و به جرم حق طلبی بوده اند. زندان و شکنجه و اخراج از کار و گرو گرفتن نان شب کارگران و خانواده هایشان ابزارهای همیشگی و رایج کارفرما و مقامات دولتی علیه کارگران به قدمت حاکمیت جمهوری اسلامی است.

آزادی کارگران بازداشت شده هفت تپه مدیون مقاومت و ایستادگی قابل ستایش کارگران این مرکز و حمایت

مردم منطقه است. اعتصاب کارگران هنوز ادامه دارد. کارگران هفت تپه بارها اعلام کرده اند که تا رسیدن به مطالبات خود به اعتراض و اعتصاب ادامه میدهند. ترفندهای جمهوری اسلامی، از تلاش برای ایجاد تفرقه میان کارگران تا وعده های پوچ و بالاخره یورش به کارگران اعتصابی و دستگیری وسیع آنها، نتوانست اراده کارگران متحد هفت تپه را در هم بشکند. اینبار هم نهایتاً جمهوری اسلامی مجبور شد در مقابل اتحاد کارگران عقب نشینی کند و دستگیر شدگان را آزاد کند.

کارگران هفت تپه لایق حمایت وسیع و همه جانبه کل طبقه کارگر ایران اند. اعتراض و مبارزه آنها، ایستادگی و مقاومت تا کنونی آنها قابل ستایش است. کارگران اعتصابی باید مورد وسیع ترین و گرمترین حمایتها از مردم زحمتکش منطقه و از جانب هم طبقه ای های خود در سایر مراکز کار قرار بگیرند. اعتصاب و اعتراض آنها نباید در سکوت و انتظار بقیه کارگران و بدون کسب موفقیت پایان یابد. توازن کنونی و ترس و هراسی که شورش بخشی از طبقه ما و مردم زحمتکش ایران، شورش

گرسنگان در دل و جان حاکمین کاشته است، امیدی که در میان استثمار شدگان و محرومین برای پایان بردگی و استثمار بوجود آمده است و اعتماد بنفسی که کل طبقه ما و کل محرومین جامعه در این دوره بدست آورده است، باید به عنوان سکوی پرشی برای اتحاد صفوف خود و برای تحمیل اصلی ترین مطالبات کارگران مورد استفاده قرار بگیرد. کارگران هفت تپه در همین چند روز بارها از هم طبقه ای های خود درخواست حمایت کرده اند. باید به این درخواست جواب مثبت داد. موفقیت کارگران هفت تپه، پیروزی هر اعتصاب و اعتراض کارگری، موقعیت کل طبقه کارگر را در مقابل سرمایه داران و دولتشان، مستحکم تر میکند. هیچ اعتصاب و اعتراض کارگری در این دوره نباید تنها بماند. باید به روسای جمهوری اسلامی، مقامات امنیتی و نظامی آنها و سرمایه داران و صاحبان کارخانه و مراکز تولیدی و خدماتی، حالی کرد که دوره قلدری و چماقداری، دوره عریده کشی آنها و مزدوران مسلح و غیر مسلح شان تمام شده است. باید به آنها حالی کرد که هر نوع دست درازی، هر نوع لشکر کشی علیه اعتراض

کارگری، هر نوع امنیتی و پادگانی کردن محل کار و زندگی کارگران و محرومین جامعه، برای حاکمیت هزینه بردار است. چماقداران و مزدوران اطلاعاتی و امنیتی و ضد شورش جمهوری اسلامی، بازجوها و شکنجه گران موجب بگیر آنها، باید حساب آینده خود را بکنند. کسانی که برای ساکت کردن طبقه کارگر و به شکست کشاندن اعتصاب و اعتراض کارگری، کارگران معترض را شلاق میزدند، مزدورانی که در مقام قاضی و وکیل کارفرما علیه کارگران اعتصابی و معترض حکم صادر میکنند، باید حساب آینده خود را در دست داشته باشند. باید بدانند در آینده نه چندان دور در قبال چماقداری و قمه چرخانی علیه کارگران و زنان و جوانان جامعه، حساب پس میدهند. باید بدانند در شهر و محله و کوچه و خیابان دنبالش میکنند و همه جا جز پادگانها و مراکز نظامی برایشان ناامن خواهد شد. دوره جدیدی از رویارویی طبقه کارگر و محرومان جامعه علیه جمهوری اسلامی، علیه بردگی و فقر و محرومیت، شروع شده است و حاکمین باید موقعیت جدید و توازن قوای جدیدی را بفهمند و مزدوران

و حقوق بگیران خود را حالی کنند، که با آتش نمیشود بازی کرد. حزب حکمتیست (خط رسمی)، ضمن محکوم کردن یورش به کارگران هفت تپه، ضمن حمایت از اعتراض و اعتصاب بر حق آنها، کل طبقه کارگر و مردم زحمتکش منطقه را به حمایت از کارگران اعتصابی فرامیخواند. کارگران هفت تپه نباید تنها بمانند، موفقیت آنها در این نبرد، موفقیت کل طبقه کارگر است.

حزب کمونیست کارگری-حکمتیست (خط رسمی)

۱۶ بهمن ۱۳۹۶ - ۵ فوریه ۲۰۱۸

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت بدون زندگی در شرایطی امن. که در آن

شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تخریب و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع، به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند. ممکن نیست بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیت سالم و انقلابی، که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند. تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست.

زنده باد سوسیالیسم!

مرکز بر جمهوری اسلامی!

دختران خیابان ...

با پایانی خوش، بسته شود! سناریویی که تنها و تنها به شرط کارکرد کامل نهادهای امنیتی، اطلاعات، سپاه و زندان و گرو گرفتن نان مردم، و اعمال حاکمیت تمام و کمال جمهوری اسلامی، میتواند، نه به اجرا، که فرصت ابراز وجود پیدا کند. "دختران خیابان انقلاب" پاسخ پایین به بالا، پاسخ محکومین به حاکمیت است. به این تشواریهای درون حکومتی و در صف دشمنان مردم، ربطی ندارد. با این وجود هنوز تماشای "تلو تلو" و "سکندری" خوردن های طیف ملونی از اصلاح طلبان و اصول گرایان، خالی از لطف نیست. کسانی که جملگی میدانند در مواجهه با شورش گرسنگان، اعتراضات کارگری و دانشجویی و معلمان و امروز در رویارویی با "دختران خیابان انقلاب"، "دیگر تمام است ماجرا!" از جمله تماشای تحرکات کسانی چون سهیلا جلودار زاده اصلاح طلب، که ضمن نجوای شرمگینانه و زیرلی "الزام قانونی رعایت حجاب" با صدای بلند اعتراف به مقصر بودن می کنند! خانم میفرمایند که "مغذرتا" ایشان و طیف هم خانوادگی هایشان در حاکمیت تازه متوجه شده اند که طی چهار دهه گذشته به مسائل بانوان توجه کافی نکرده اند! یا زیر آبی رفتن دادستان کل کشور، جناب محمد جعفر منتظری، تماشایی است که میفرمایند این یک حرکت جزئی و بچکانه، و تحریک از خارج است و هشتاد میلیون در ایران مخالف آن اند! از مطهری، نایب مجلس، بشنود که به شیوه نجات با "سر زیر برف کردن" رو آورده است، میفرمایند: این حرکات اساسا "هوا دادن

چهار روسری در مملکت بوده و مهم نبوده است!" در همان حال پلیس تهران اعلام میکند که ۲۹ نفر از این دختران را دستگیر کرده است! و خاتم ستوده و کیل دادگستری هم اعتراض میکند که چرا مجازات این حرکات در ردیف مجازات های سنگینی چون سرقت مسلحانه است! اما آقای عباس عبدی اصلاح طلب، فرصت برای ابراز وجود را مقتنم می شمارد و "شجاعانه" اعلام میکند این حرکات اساسا به این منظور صورت میگیرد که آقایان در میان خودشان متوجه شوند که باز کردن امکان بحث در مورد حجاب امروز مهم است! منظورشان این است که با ایشان بیشتر مصاحبه شود و جناح مقابل بیشتر تحویل شان بگیرد! خانم مشاور امور زنان در شهرداری تهران اما سنگ تمام میگذارد و میفرماید که این کارها "در شان زنان فرهیخته" نیست! گرفتن عکسی از این لانه مورچه گان که در آن اب افتاد است و هر عضو کلنی سراسیمه به سویی میرود، تماشایی است. نتیجه اینکه پایه پای میدیدی ریاکار دستگاهی کشورهای غربی، همه خوشحالند که این فعالیت ها اولاً "مسالمت آمیز" است، ثانیاً قرار نیست در خیابان و محل کار و میدان عمل مستقیم مردم پا از این فراتر بگذارد! باید کنترل شود! و مهمتر اینکه چشم به الطاف بخش های خوش خیم تر در حاکمیت بدوزد، "وگرنه ایران سوریه میشود!" از جنس همان استدلال هایی که جمهوری اسلامی نوپا توانست هنگام به قدرت رسیدن در ایران، اعتراض زنان به حجاب و تعرض ارتجاع اسلامی به آنها را، تحت ریاکاری و عوامفریبی پوپولیستی ضدامپریالیستی "ترس از کودتا آمریکا"، خفه کند! این حنا پس

از چهار دهه چشیدن مزه تلخ و مهوع حاکمیت اسلام در ایران، دیگر برای همان هشتاد میلیونی که برگرده شان سوار اند، دیگر رنگی ندارد. معلوم نیست چرا برای پاسخ دادن به "چند نفر و زنانی که در استخدام اجنبی هستند"، در گوشه هایی از جغرافیای وسیع ایران چهار روسری هوا داده اند و مهم نیستند، "ربطی به ۸۰ میلیون جمعیت ندارند"، اعتراضشان "عملی کودکانه و مربوط به زنان نافرهیخته است"، و... پلیس و زندان و جریمه و کنترل تویتر و فضای مجازی و اظهارات مختلف بالاترین مقامات، دشمنی با آمریکا و اسرائیل و معادلات خطرناک منطقه، موضوعیت پیدا میکند؟ قدرت و نیرویی که در خاورمیانه با عملیات نظامی "پاد در غیب میاندازد" و ادعای حمایت هشتاد میلیون زن و مرد محجبه و طرفدار حجاب را دارد، این همه در مقابل این چهار روسری برپاد داده شده، ضعیف و ناتوان است! این چه نیرو و جنبشی است که چهار نفرشان که در گوشه ای کاری میکنند، خواب از چشم همه مقامات از روسای مجلس و دادستانی کل کشور تا رئیس جمهور و مقام معظم رهبری می رباید؟ چرا این تعداد برای آن قدرت نظامی منطقه، به آب در لانه مورچگان تبدیل میشود؟ دروغ می گویند! خودشان هم خوب میدانند! سرشان را جلو مردم زیر برف میکنند اما خودشان می دانند که ماجرا چیست و چه جنبشی و در چه قد و قامتی به مضاف شان آمده است! میدانند که چرا "این بی مقدار ها" را دستگیر میکنند و جرایم سنگین برایشان تعیین کرده اند. قانون و پلیس و دستگاه امر به معروف و بودجه تبلیغات "ارزش

های اسلامی" و انتظارات و .. همه زیر لگد این جنبش در حال خرد شدن است. این "بی مقدار ها" در کنار آن "بی سر و پاهایی" که برای نان رفاه و آزادی از دیماه به میدان آمده اند، خواب را بر چشم همگی شان خراب کرده اند. جمهوری اسلامی ایران بر دو رکن، اسلامیت که تعرض به زنان که سمبل آن حجاب بود و هست، با تحمیل یک آپارتاید جنسی تمام عیار، و با فریبکاری و عوامفریبی پوپولیستی ضدامپریالیستی "حکومت مستظفان" به قدرت رسید. تا انقلابی را که رنگ غلیظ چپ و کارگری داشت، را به شکست بکشاند. تا تعرض طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی به بنیادهای نظام سرمایه، که شاه قادر به نجات و حفظ آن نبود، را سرکوب و خفه و نهایتا انقلاب را به شکست بکشاند! ارتجاع جدید، با این دو ستون اسلامیت و مستضعف پناهی، به قدرت رسید و چهار دهه در قدرت ماند! امروز و دیماه امسال این دو صف، دو دشمن اصلی جمهوری اسلامی ایران، با قامتی روشن به میدان آمده است.

جنبش ضد اسلامی برابری زن و مرد! که ضدیت با حجاب پرچم و سمبل آن، ضدیت با آپارتاید جنسی و نابرابری زن و مرد و کوتاه شدن دست اسلام از زندگی مردم و اسلام زدایی از جامعه محتوای آن است برای احقاق حقوق نیمی از شهروندان جامعه و برای دفاع از حرمت انسانی مردم، به میدان آمده است.

اعتراض به حجاب و پرت کردن حجاب، پرچم این صف است. صف دیگر، صف گرسنگان، طبقه کارگر، کارکنان، دانشجویان، محرومین و مردمی است که قربانی یکی از مخرب ترین اشکال

سرمایه داری در ایران اند! فقر و فحشا و تن فروشی و کلیه فروشی و گورخوابی و بیکاری و طبقه کارگری که به بیکاری کشیده شده و اعضا خانواده اش در تنگنای بی افقی آینده ای با حداقلی از تامین پرس میشود، ستون دیگر دشمن اصلی نظام است.

دو صف اصلی سرنگونی جمهوری اسلامی، طبقه کارگر معترض و متوقع! محرومین معترض و متوقع! زنان بیپاخسته برای تحمیل برابری شان، آینده ای امیدوار کننده و روشنی را در مقابل سرنگونی جمهوری اسلامی ایران میگذارد.

حکمت را
توزیع و
پخش کنید

نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!

گزارشی از یک پیکت اعتراضی در لندن

اوضاع امروز ایران جلب کردند.

همچنین عضو دیگری از حزب در مورد یورش به کارگران هفت تپه در صبح همان روز و دستگیری بیش از سی نفر از آنان توسط اوباشان رژیم و همچنین وضعیت وخیم رضا شهابی در زندان نکستی را در محکومیت این موضوع بیان کرد و جمع با دست داشتن چند بنر و شعار دادن خواهان آزادی بازداشت شدگان هفت تپه و همچنین رضا شهابی نیز شدند. پیکت بعد از دو ساعت با شور و شوق حاضرین و جمعیت در محل به کار خود پایان داد.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست - خط رسمی (واحد لندن)

۴ فبریه ۲۰۱۸

به فراخوان تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست - خط رسمی (واحد لندن)، روز یکشنبه ۴ فوریه تجمع و نمایی در اعتراض به دستگیری دختران خیابان انقلاب و حمایت از اعتراضات زنان علیه حجاب اجباری در میدان اصلی شهر لندن در مقابل ناشنال گالری برگزار شد. تجمع با نمایی در حمایت از اعتراضات اخیر زنان شروع گردید. نمایش با بالا رفتن تعدادی از شرکت کنندگان روی سکو و برداشتن روسری در همبستگی با حرکت نمادین اعتراض زنان ایران علیه حجاب اجباری آغاز شد. سخنرانی به انگلیسی و فارسی و سپس به صورت سمبلیک دستگیر شدن

توسط "پلیس لباس شخصی" ادامه یافت و بشکل نمادین عابرین به دفاع از "دختران خیابان انقلاب" پلیس را عقب زدند. تجمع با شعار دادن و پخش اطلاعیه های حزب به زبان انگلیسی در رابطه با جنبش رهایی زنان ادامه یافت. شعارها حول آزادی زنان زندانی، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "جمهوری اسلامی نمیخوایم" و ... بود؛ فعالین حزب با پخش کردن صدها نسخه از اطلاعیه های حزب به زبان انگلیسی بین عابران و همچنین با جمع کردن امضاء به صورت پتیشن اعتراضی در همبستگی با مبارزات زنان در ایران علیه قوانین قرون وسطایی جمهوری اسلامی، توجه افکار عمومی را به

نشریه هفتک

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تلفن با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

